

نقش شهر آموزش محور در مدیریت مشارکتی

حسین مجتبی‌زاده

عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

مهسا حاجی فتحعلی^۱

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هشتگرد، البرز، ایران

ماندانا حبیبی

پژوهشگر دکتری شهرسازی، مدرس دانشگاه

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸

چکیده

شهر به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد بشر، علاوه بر در اختیار قراردادن امکانات و الزامات زندگی، می‌باید، با آموزش، شهروند را برای بر عهده گرفتن نقش مناسب و مثبت در صحنه حیات شهری، آماده نماید. با پررنگ شدن میزان آگاهی افراد در شیوه زندگی، نیاز مبرم شهروندان به آموزش‌های ضمن زندگی را چندین برابر شده است. اما این نیاز به یادگیری نمی‌تواند فقط در قالب آموزش‌های رسمی خلاصه شود بلکه نیاز است تا این آموزه‌ها به شیوه‌هایی خلاق در هر لحظه در اختیار شهروندان قرار گیرد. شهروند آموزش دیده می‌تواند با آموزش‌های مؤثر شهری، تأثیرات متعددی را بر تحول اجتماعی شهر بگذارد. در این مقاله در راستای دستیابی به اصول پایه شهرهای آموزش دهنده و ارزیابی معیارهای آن ابتدا به تعریف دقیقی از مفاهیمی همچون آموزش می‌پردازیم و به تأثیر آموزش در جامعه و چگونگی ارتباط آموزش و عملکرد آن با فضاهای شهری و نقش آن در مشارکت شهروندان در فضاهای شهری خواهیم پرداخت تا تعریفی جامع از شهر آموزش دهنده ارائه نماییم. لذا این مقاله درصدد آن است که از روش تحقیق ترکیبی (توصیفی-همبستگی) به اصول معیارهای فضاهای آموزش دهنده در شهر پردازد. و از این روی به اصول جدیدی در انتظام کالبد شهری و باز تعریف نقشی نوین برای فضاهای شهری با رویکرد آموزش دهنده می‌رسیم.

واژگان کلیدی: شهر آموزش دهنده، آموزش، فضای آموزش دهنده، رسانه محیطی، مشارکت

۱- مقدمه

شهر پدیده‌ای چند بعدی است که می‌تواند با توجه به تاکید بر یکی از ابعاد نقش خاصی را به خود بگیرد و با آن تعریف شود. در درون فضاهای شهری است که معانی فردی و جمعی شکل می‌گیرند و یا شکل خود را از دست می‌دهند و هویت‌هایی تعریف می‌شوند. شهر گفتمانی است و این گفتمان در حقیقت یک زبان است. شهر با ساکنان خود صحبت می‌کند و ساکنان با شهر خود صحبت می‌کنند، شهری که ما در آن هستیم، با زندگی در آن، پرسه زدن در آن و با گذشت و گذار در آن، با آن سخن می‌گوییم. بدون تردید یکی از ابزار جامعه بشری برای پرورش و بسط فرهنگ، آموزش است؛ که خود زائیده رشد تمدن و فرهنگ بشر بوده و با توجه به سرعت بالای تغییرات در جامعه شهری، فزونی ورودی‌های مختلف در عرصه‌های گوناگون زندگی شهرنشینان نیاز به آموزش، نیازی بلاانقطاع و یکی از نیازهای اساسی جامعه مدرن توصیف می‌شود. ارتباط آموزش، آموزه و فضای آموزش‌دهنده ارتباطی چند وجهی است (مکوند حسینی: ۲۱:۸۹). در طی آموزش‌های شهروندی، ارتقای آگاهی شهروندان نسبت به سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی امکان پذیر می‌شود و در واقع مشارکت همگانی و حرکت‌های اجتماعی مردمی، اوج فعالیت‌های مؤثر مدیریت شهری است که از ایجاد تعلق اجتماعی در بین شهروندان ناشی می‌شود. در ارائه آموزش‌های شهروندی، فرآیند آموزش یعنی دانش برنامه‌ریزی، تولید و تدوین محتوای منطبق با نیازهای شهری، در طراحی محصول آموزش نقش بسیار موثری دارد. با آموزش‌های شهری، این امکان مهیا می‌شود که شهروندان با آگاهی کامل، مسئولیت خود را نسبت به جامعه و شهر برعهده گرفته و ابزارهای اصلی مشارکت‌پذیری را به‌عنوان یک شهروند بیاموزند و حتی سطح دانش و فرهنگ شهروندان نیز بالا رود.

تحقیق حاضر از حیث گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که با هدف ارزیابی مفاهیم و معیارهای تعیین شده در ارتباط با فرضیات مطرح شده می‌باشد. در روند جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات اسنادی از ترجمه متون، گزارش‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات فراخور موضوع استفاده خواهد شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات نمونه موردی نیاز به گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات میدانی، پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است.

این پژوهش و پرداختن به مساله آموزش در شهر را می‌توان یک تحقیق کاربردی دانست. یکی از نیازهای انسانی در جامعه شهری نیاز به آموزش و حق دستیابی به آموزش است. آنچه که به عنوان آموزش‌های رسمی در شهر تعریف می‌شود در قالب کاربری‌هایی در سطوح مختلف آموزشی و در ساختمان‌هایی منفک از فضاهای شهری رخ می‌دهد. این نوع برنامه‌ریزی آموزشی در شهر باعث می‌شود که عده‌ای به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی و غیره در پشت درب‌ها مانده و از این خدمات محروم بمانند. از طرفی شهروندان بیشترین زمان خود را در فضاهای شهری و بی هیچ محدودیتی می‌گذرانند که به شرط آوردن آموزه‌ها در این فضاها و عرضه فراگیر آنها در فضاهای شهری و با توجه به قابلیت‌های موجود در شهر می‌تواند آنها را از این حق بنیادی انسانی بهره‌مند کند و جوامع را هرچه بیشتر به سمت تحقق شعار متعالی " آموزش برای همه " سوق دهد.

در ایران با توجه به سرانه پایین مطالعه، نیاز گرایش شهروندان به اموری همچون مطالعه و پژوهش که زمینه ساز ارتقاء آگاهی و میل به یادگیری در آنهاست بسیار احساس می‌شود. آنچه در گذر از خیابانها و فضاهای شهری به چشم می‌آید ازدحام گیج‌کننده‌ای از تابلوها و پیام‌های تبلیغاتی است که نه تنها شهروندان را با شهر فعالیت‌های

شهری پیوند نمی‌دهد بلکه موجب ترویج ارزش‌های مادی در شهر می‌شود. از طرفی نقش شهروندان در فضاهای شهری بسیار کم رنگ بوده و آنها را به صورت اجزای منفعل فضا می‌بیند. در حالی که با ایجاد فضاهایی در شهر که هر چه بیشتر بر مشارکت شهروندان در فعالیت‌های تعریف شده در فضا تاکید کند میل حضور آنها در شهر بیشتر شده و به دلیل پذیرفتن نقش در فضاهای شهر خود، آنها را در پیوند با خود می‌بینند و نسبت به حفظ و ارتقاء آنها توجه بیشتری نشان می‌دهند. فراگیر شدن آموزش در سطح شهر علاوه بر فواید ذکر شده، سبب افزایش آگاهی عمومی و بهبود وضعیت فرهنگی در شهرها می‌شود.

۲. مبانی نظری

اگر تمدن را از منظر علوم اجتماعی در یک کلام فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خویش بنامیم، آنگاه آموزش را برگزیده‌ترین ابزار کاربردی تحقق آن خواهیم یافت زیرا آموزش و تعلیم و تربیت یعنی توانایی سازگاری با محیط و هماهنگی با فرایندهای رشد آن. از این رو همواره تمدن معلول آموزش بوده است.

با نگاهی به تاریخچه آموزش در ایران در می‌یابیم آموزش همواره در ایران مورد توجه بوده. با این سابقه لزوم بررسی مفاهیمی همچون، آموزش از چه طریقی می‌تواند صورت گیرد؟ آیا به راستی این مهم می‌تواند در چگونگی انتقال مفاهیم در شهرها مؤثر باشد؟ آیا منظور از محیط آموزشی، صرفاً فضای آموزشی است یا گزینه‌هایی دیگر هم در آن اثر می‌گذارد؟ بسیار ضروری می‌باشد.

ویگوتسکی یکی از معروف‌ترین نظریه پردازان رشد شناختی معتقد است: «کنش متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی او اهمیت بسزایی دارد.» او بر این باور بود که رشد ذهنی افراد، عموماً به مردمی که در دنیای اطراف آنها زندگی می‌کنند، وابسته است و افراد بسیاری اندیشه‌ها، نگرش‌ها و ارزشهای خود را در تعامل و رابطه متقابل با دیگران ارتقا می‌دهند (پارسا، ۱۳۸۷: ۶۴).

بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که اگر مفاهیم آموزشی در یک محیط فرهنگی و اجتماعی آموزش داده شود، رشد ذهنی یادگیرندگان قطعی خواهد بود. به این روی، مشارکت اجتماعی یکی از شرایط مهم یادگیری است. هر چند که داشتن فضای آموزشی وسیع یک شرط لازم در امر آموزش است، اما به تنهایی کافی نیست، محیط آموزشی هدفمند محیطی است که فرصت‌های متنوعی را برای تعامل با افکار و آراء گوناگون به وجود می‌آورد.

۲-۱: آموزش

در فرهنگ معین آموزش به معنی آموختن، یاد دادن، تعلیم و تربیت و پرورش آمده است. آموزش مجموعه تمهیدات و اقداماتی است که یکی پس از دیگری اتخاذ می‌شود یا انجام می‌گیرد و هدف از آن دستیابی هر چه بیشتر فراگیر به اهداف آموزشی است.

۲-۱-۱: تعریف آموزش در جامعه سنتی و مدرن

برای ارائه تفاوت‌های عمده آموزش در جامعه سنتی و مدرن به ارائه جدولی بسنده می‌کنیم.

جدول شماره ۱- آموزش در جامعه سنتی و مدرن

جامعه سنتی	جامعه مدرن
روش کسب علم و فن	مطالعات کتابخانه‌ای و آزمون‌های آزمایشگاهی
روش انتقال علم و فن	دوره‌های آموزشی از پیش تدوین شده

منبع: نگارندگان

به طور کلی می‌توان آموزش را به آموزش رسمی، غیر رسمی و تصادفی تقسیم نمود. (جدول ۲)

جدول شماره ۲- انواع آموزش

انواع آموزش	شرح	توضیحات
آموزش رسمی	دارای سلسله مراتب منظم، آموزش سازمان یافته، معمولاً ختم به مدرک می‌شود	
آموزش غیر رسمی	سازمان یافته است ولی در خارج از نظام آموزش رسمی، از دوره‌های آموزشی و کارآموزی کوتاه مدت در زمینه‌های گوناگون، کاربردی بودن آموزش‌ها، در ارتباط با محیط واقعی کار و زندگی	انتخاب هر یک از این نوع آموزش‌ها به عوامل متعدد بستگی دارد که به طور کلی می‌توان به چهار عامل اهداف آموزشی، نوع محتوا، شرایط فراگیران و میزان دسترسی به محیط کار و...، بارزترین ویژگی آن «مادام‌العمر» بود.
آموزش تصادفی یا ضمنی	مستمر از طریق تجربیات شخصی روزمره، با توجه به رشد فرد در محیط (محیط خانواده، محیط کار و...)	محتوا، شرایط فراگیران و میزان دسترسی به آنان اشاره نمود.

منبع: نگارندگان

۲-۲- مفهوم آموزش ضمن زندگی^۱

منظور از آموزش ضمن زندگی ادامه جریان زندگی طی آموزش‌های آگاهانه معمول و جاری است. در خیلی از موارد این امر شامل آموزش‌های رسمی و یادگیری‌ها در کالج و دیگر مؤسسات می‌شود. اما در برخی موارد دیگر جنبه‌ها را هم در بر می‌گیرد. شهرمنطقی‌ترین مکانی است که می‌توان برای چنین آموزشی در نظر گرفت (Bengtsson, 1992: 25).

به صورت خلاصه:

اول آن‌که ← برای داشتن شهری آموزش‌دهنده همکاری وسیع و گسترده در سطح اجتماع شهری لازم است.
دوم آن‌که ← پیوند آموختن و یادگیری با زندگی شهری
سوم آن‌که ← اطلاعات روشن و هماهنگ در سطح شهر، به عنوان بهترین مکان برای اطلاع‌رسانی همگانی و آموزش (همان ۲۵).

۲-۳- آموزش و لزوم تغییر دیدگاه

مردم ممکن است در هنگام کار، یا در خانه و یا در اجتماعشان به یادگیری بپردازند؛ اما برای این‌که بتوانند این آموزش‌ها را فراگیرند باید به مسئله آموزش دیگرگونه نگاه کنند و یادگیری را صرف مدرسه و دانشگاه نشمرند. آن‌چه برای حرکت شهر به سوی شهر آموزش‌دهنده و کارکرد آن حیاتی است، تغییر نگرش به آموزش است.

۲-۴- آموزش و فراغت نقش مکمل آموزش و سرگرمی

در زمینه آموزش توامان با فراغت و سرگرمی (Roberts, 1997). عنوان می‌کند که فراغت شرایط مساعد و مهیا را برای آموزش و یادگیری فراهم می‌کند، افراد بزرگسال هم چون کودکان نیاز به محیطی دارند که به آنها مجال ابراز وجود، سؤال پرسیدن و چالش و هم چنین شرایطی برای فهمیدن و درک خودشان و جهان اطرافشان بدهد.

(Anderson, 1997, Mitchell, 1998). این چنین یادگیری آموزشی می‌تواند با بازی کودکان همراه شود. با هیجان و غافل‌گیری، ابتکار و اکتشاف به عنوان مفاهیم و کلیدهای اصلی (Mepamed, 1987) شواهدی وجود دارد که آموزش دروناً به صورت خودبه‌خودی و بدون هیچ تلاش و بی‌نیاز به کنترل متمرکز در حین فراغت اتفاق می‌افتد (Hidi, 1990, kerapp, 1999). دیدگاه‌های مختلفی در خصوص ناسازگاری بین آموزش و سرگرمی وجود دارد. آن‌ها اعتقاد دارند ممکن است مخاطبین بیشتر به سمت ترجیح سرگرمی هدایت شوند تا یادگیری و آموزش. اما هم چنین ممکن است حضور سرگرمی در کنار آموزش باعث ترغیب یادگیری معنی داری در مخاطبین گردد.

۲-۵- آموزش شهروندی

جهت‌گیری کلی جریان آموزش‌های شهروندی به سوی توسعه مشارکت‌های اجتماعی در راستای بازیابی و بازسازی هویت شهرواست (بلوم ۱۳۶۸: ۱۴۲). ارتقای دانایی‌ها، خواسته‌ها و توانمندی‌های شهروندی در راستای زندگی سالم و حیات اجتماعی مطلوب از مزایای این آموزش است.

۲-۶- شهر آموزش‌دهنده

اما از منظر شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری و با نیم‌نگاهی به نظرات مطرح شده باید گفت که مشابهت‌های زیادی بین دو نظر شهرسازی و جامعه‌شناسی به مقوله "شهر آموزش‌دهنده" وجود دارد. اما تفاوت آن جاست که شهر آموزش‌دهنده از منظر دیگری تقسیم می‌شود به محتوا، فضای آموزشی و مخاطب. یعنی هر آموزش برای انتقال مفهوم نیاز به بستری جهت ارتباط منبع آموزشی و مخاطب است. این بستر در "شهر آموزش‌دهنده" تمامی شهر است اما باید توجه داشت که در اینجا شهر نقشی دوسویه بازی می‌کند چرا که هم فضایی ایجاد می‌کند تا شهروندان هر یک با تجارب و دانسته‌های خود به تعامل بپردازند و زمینه انتقال مفاهیم و آموزش در میان شهروندان انتقال بیابد، و از سوی دیگر شهر به خودی خود فضایی است که مفاهیم آموزشی را به شهروندان و کاربران منتقل می‌کند.

شهر آموزش‌دهنده یک طرح و تعهد است که الزاماً میان دولت محلی و جامعه شهری تقسیم می‌شود و در واقع برای شهری که می‌خواهد آموزش‌دهنده باشد، آموزش در مفهوم عام و گسترده به عنوان دغدغه اصلی فراگیر در برنامه سیاستگذاری‌ها بدل می‌گردد. مفهوم شهر آموزش‌دهنده مستقیماً به مفاهیمی دیگر هم‌چون: برابری، شهروندمداری، مشارکت محوری، هم‌بستگی، پایداری و آموزش صلح مربوط است.

مهم است که به خاطر داشته باشیم که مفهوم شهر آموزش‌دهنده بر سه سنگ اصلی بنا می‌شود:

ارتباط مؤثر موقعیت‌هایی که شهر در اختیار تک شهروندان خود قرار می‌دهد. در مورد دولت‌های محلی این مسئله برمی‌گردد به اینکه آن‌ها چرایی و چگونگی تصمیماتشان را از این نظر که چگونه به آموزش‌دهنده شدن شهر کمک می‌کند برای شهروندان تسریع کنند.

مشارکت تنگاتنگ شهروندان؛ تشریح و توافق اولیه در مورد مقیاس، حدود و مکان و حیطه عمل سیاست‌های آموزش‌دهنده.

ارزیابی اثر آموزشی سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگون و سطح مفید بودن و کافی بودن آن‌ها (Figueras, 1992, 37).

شهر آموزش‌دهنده باور وانگاره جدیدی است که در حول محور دانش، آگاهی و توسعه عوامل آموزشی می‌گردد که در سیاستها و فعالیتهای گوناگون در همه زمینه‌ها وجود دارند و به چگونگی اثرات آنها و ارزیابی آن می‌پردازد (Hereu, 2009:39).

۲-۶-۱- بررسی تجربه‌های جهانی و تولد مفهوم "شهر آموزش‌دهنده"

مفهوم شهر آموزش‌دهنده توسط ادگار فاور و دیگران در سال ۱۹۷۲ در مجموعه کارهای pprendre a etra مطرح شد. با این شیوه ابتکاری و قابل تأمل، شورای شهر بارسلونا به عنوان پیشگام، این مفهوم جدید را پذیرفت. مفهوم «شهر آموزش‌دهنده» را در قالب یک پروپزال در سال ۱۹۸۲ ارائه داد که همه اشکال آموزش اعم از رسمی، غیررسمی و خصوصی را بصورت پیوسته و یکپارچه در سطح شهر برای شهروندان ارائه می‌داد. هم‌چنین در این پروپزال وظایفی در عرصه‌های سیاست‌گذاری، عمومی و فعالیتی بر عهده خانواده‌ها، مدارس، شورای شهر، انجمن‌ها مؤسسات فرهنگی، تجاری و دیگر مؤسسات و گروه‌ها پیش‌بینی می‌کرد. این مفهوم طی سالها تلاش و با گذشت زمان روشن‌تر شده و نظام بیشتری یافته و در دقیق‌تر کردن افقهای مرتبط با این مفهوم به توفیقاتی دست یافته است.

در اصول ده‌گانه‌ای که در مجمع عمومی در اورشلیم (۱۹۹۹) به بهانه برگزاری پنجمین کنگره بین‌المللی شهر آموزش‌دهنده منتشر شد. به نیاز تأکید شهر آموزش‌دهنده بر همه اقسام جامعه و در همه عرصه‌ها اشاره شد. شهر آموزش‌دهنده در همه عرصه‌های برنامه‌ریزی شهری و توسعه شهری فرهنگی، خدمات اجتماعی، توسعه محیط زیست، ورزش، اقتصاد، سلامتی و بهداشت و غیره ...

۲-۶-۲- فضای شهری در شهر آموزش‌دهنده

شهر آموزش‌دهنده به شهروندانش امکان برای یادگیری می‌دهد. فضایی که به روی آنها باز است. مثلاً یک میدان، جایی که آنها می‌توانند با یکدیگر ملاقات و تبادل نظر کنند. این در حقیقت همان تصویر کلاسیکی از دموکراسی یونانی در ۵۰۰ سال قبل از میلاد است. فضایی که مردم می‌توانند تبادل عقاید و اخبار کنند. به تعبیری همان «فوروم» است. با کارکرد یک اتاق سمینار با موضوع آزاد و گفتگوی آزاد. شهر آموزش‌دهنده باید فضاهایی برای ملاقات افراد ایجاد کند- که هر فرد دانسته‌های خود را برای تبادل با دیگران همراه می‌آورد.



تصاویر شماره ۱-۲ و ۲-۲: میدان شهری محل تجمع و تعاملات اجتماعی در پاریس محله لدفانس

منبع: نگارندگان

البته این به تنهایی کافی نیست، ایجاد انگیزه و تحریک افکار نیز لازم است. برانگیختن افراد، درگیر کردنشان با کل اجتماع (همان: ۲۶) برای آن که فرآیند تبدیل پرسش به دانش در هر فرد ایجاد شود، فضاهای آموزش دهنده باید غنی از اطلاعات و معماها باشند که تجربه‌های مفیدی را ایجاد کنند و مردم باید نقش کاملی را در چنین محیطی ایفا کنند (Dahlgren, 1992: 42).

فضاهای شهری با رویکرد فرهنگی می‌تواند عقلانیت را بسط دهد، آموزش دهد و فراگیر سازد. به عبارتی طرز تفکری که می‌اندیشید تصمیم‌گیری، مدیریت و قانون‌گذاری در روابط شهروندی باید به صورت عمودی صورت گیرد و مسئولیت تنها بر عهده دولت است باید دگرگون شود. اگر بخواهیم شهروندی امروزی باشیم باید بپذیریم که روابط شهروندی در سطوح مردم و شهروندان بسیار مهم است. در نتیجه هر شهروندی برای دیگری حقوقی قائل باشد و اخلاق مدنی در سطح افقی و با قانون‌گذاری مطرح باشد لذا باید قوه داور شهروندان افزایش یابد و بپذیرند اعمالی که انجام می‌شود به نفع آنهاست و در آن مشارکت فعال داشته باشند (فرح، ۱۳۸۷: ۳ و ۴).

۲-۶-۳- فضاهای گفتگو در سطح شهر

گفتگو مستلزم ایجاد فضای گفتگو است و فضای گفتگو می‌تواند پیاده‌رو مناسب، پارک، فرهنگ‌سرا، سایت‌های اینترنتی، ارتباط محلی مستقر در مراکز فرهنگی، پارک‌های علمی-آموزشی، کتابخانه، نمایشگاه و سالن‌های کنسرت، تئاتر، موسیقی، کافه‌های اینترنتی، فضای مذهبی، مسجد، تکیه، حسینیه، سقاخانه، جشنواره، مراسم مذهبی، تعزیه، کارناوال، سمینار، مجله یا رسانه‌های خبری باشد (فرح، ۱۳۸۷: ۳ و ۴).

هر شهر آموزش دهنده بر طراحی و برنامه‌ریزی ارائه‌تعلیم آموزشی در فضاهای شهری بر عامل تفاوت، تاکید می‌کند و بدنبال هماهنگی برنامه‌ریزی مفاهیم و محتوای آموزشی و طراحی چگونگی ارائه آنها بر پایه خصوصیات منحصر به فرد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، کالبدی و دریک کلام هویت هر شهر است. واز آن جاست که یک طرح و برنامه کلی برای آموزش دهنده بودن فضاهای شهری، به همه شهرها نمی‌توان دیکته کرد. برای ایجاد حداکثر اثر گذاری فضاهای آموزش دهنده شهری باید بر پایه خواست و ذائقه و از همه مهمتر نیاز مردم عمل کرد.

۲-۶-۴- فضاهای نمایشگاهی در شهر (نمایشگاه‌های خیابانی)

این نمایشگاه‌ها به صورت خطی و یا در محلی از پیش تعیین شده در فضاهای شهری برپا می‌شوند. به تعبیر دکتر پیران در حقیقت یک رویداد شهری هستند که مجال تجربه از نزدیک را به شهروندان می‌دهند. نمونه‌های این نمایشگاهها در تورنتو کانادا در سال ۲۰۱۰ به صورت نمایشگاه اقوام و فرهنگها برگزار شده است. نمایشگاه فضاهای فضای باز مفاهیم هنری و فرهنگی را به فضاهای شهری آورده و آنها را بی هیچ محدودیتی در اختیار مردم قرار می‌دهند تا بدین ترتیب هنر به متن زندگی مردم در شهر آورده شود.



تصویر شماره ۲-۳- نمونه‌های نمایشگاه‌های فضای باز موقت

منبع: <http://paleyphoto.blogspot.com>

۵-۶-۲- پارک‌های موضوعی

پارک‌های موضوعی فضاهایی هستند که امکان آموزش و تفریح را همزمان ایجاد می‌کنند. این پارکها بر اساس یک موضوع مشخص ساخته می‌شوند که بر همین اساس به آنها پارک‌های موضوعی یا پارکهای تماتیک گفته می‌شود. منبع الهام موضوعات این پارکها گاهی ادبیات، گاهی فیلم‌ها و در برخی وارد هم مفاهیم و موضوعات آموزشی و عملی است. مانند پارک گیاهشناسی تهران

۶-۶-۲- کید زانیا

ایده شهر آموزشی برای کودکان توسط خاورلوپوزآنکونا که یک مکزیکی کارآفرین بود و علاقه شدیدی به آموزش و سرگرمی کودکان داشت مطرح شد و در سال ۱۹۹۹ در ستافه مکزیکی اولین شهر کودکان را افتتاح کرد (امیر جلیلی نژاد) کیدزانییا یا شهر آموزشی برای کودکان مجموعه‌ای می‌باشد که در آن تعدادی زیادی ساختمان و مغازه وجود دارد که در هر ساختمان و مغازه، شغل مربوط به آنجا به بچه‌ها آموزش داده می‌شود و بچه‌ها می‌توانند که هر شغلی رو که دوست دارند رو در اینجا شخصاً تجربه کنند و یک سری آموزش‌های ابتدایی آن شغل را در این مکان ببینند. در این مجموعه بچه‌ها می‌توانند بیش از ۸۰ شغل دنیا رو در اینجا تجربه کنند که این شغل‌ها مثل خلبانی با بوئینگ ۷۳۷! و دندانپزشکی و روزنامه نگاری و آتش نشانی و دامپزشکی و... است. در این مجموعه بچه‌ها می‌توانند بدون حضور پدر یا مادر برای ساعت‌ها شخصاً و با پوشیدن لباس‌های مخصوص هر شغل در این مجموعه مشغول فراگیری و بازی شوند.



تصویر شماره ۲-۴- کید زانیا. کودکان در حال آموزش خاموش کردن آتش

منبع: www.adventureswithfamily.com

۶-۶-۲- نمادهای شهری

اثاثیه‌ای که در کنار و اطراف یک بزرگراه به کار برده می‌شود با تجهیزاتی که در یک پارک کوچک و فرسوده به کار می‌رود متفاوت است. اما توجه ویژه به نمادهای شهری و تلاش برای بهبود آن، یکی از راه‌های ایجاد آرامش بصری در هر شهر بزرگی است که به علاوه مسائل زیبایی شناسی، از مشکلات آن می‌کاهد. تعدد و گوناگونی این عوامل در شهر پتانسیل بسیار خوبی را به منظور سود جستن از این تابلوها تا حد امکان در جهت انتقال مفاهیم آموزشی در اختیار برنامه ریزان شهر آموزش‌دهنده قرار می‌دهد.

۶-۶-۲- رسانه محیطی

شهر فضایی گسترده و رسانه‌ای چندگانه است که می‌تواند آموزش‌ها رسمی، غیررسمی، فضایی، غیرمستقیم، مستقیم و... در آن صورت پذیرد. مفاهیم آموزشی قابل انتقال از طریق رسانه‌ای به چنین گستردگی و پویایی می‌تواند بازه وسیعی را شامل شود. دسته‌ای از رسانه‌های محیطی هستند که صرفاً جهت نمایش و انتقال مفاهیم خاص و هدفمند طراحی می‌شوند. در این گروه از مبلمان شهری نه تنها زیبایی و شکل بودن نرم و تناسب اندازه آن و مکان یابی مناسب این رسانه‌ها مدنظر است. بلکه محتوای آنها و چگونگی و تناسب محتوا و رسانه محیطی نیز اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در فرانسه و آلمان رسانه محیطی آشکارا در جهت آموزش شهروندان قدم برداشته‌اند.



تصویر شماره ۲-۵- راست: این عکس که در متروی شهر پاریس نصب شده قصد آموزش این مطلب را دارد که اجازه پدید اول کسانی که قصد پیاده شدن را دارند، پیاده شوند بعد شما وارد شوید.

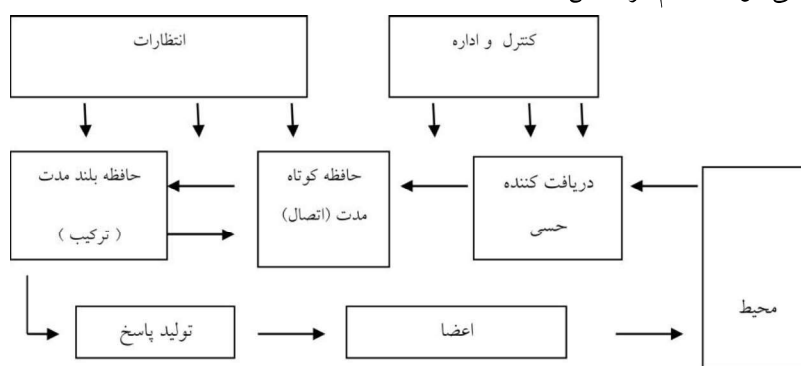


تصویر شماره ۲-۶- چپ: در فضای عمومی نباید با تلفن بلند صحبت کنید.

۸-۶-۲- تعریف رسانه آموزشی

رسانه آموزشی ترجمه (Instructional Media) است که (Media) در لغت به واسطه، وسیله، ساده وسط یا رابط دو چیز، حد فاصل و سرانجام، وسیله فوق و انتقال تعریف شده است. تمام این معانی با آن چه اصطلاحاً رسانه آموزشی نامیده می‌شود مطابقت دارد.

در شهر آموزش‌دهنده، همه شهر عرصه و رسانه‌ای برای انتقال مفاهیم آموزشی به مخاطبین (شهروندان) می‌شود. در صورتی که در یک آموزش محتوا، وسیله انتقال محتوا (رسانه) و گیرنده محتوا (مخاطب یا شهروند) مشخص باشد، آموزش به صورت کامل قابل اجرا خواهد بود. اگر هر یک از سه عامل فوق وجود نداشته باشد، تحقق آموزش غیرممکن می‌شود (هاشم فر دانش، ۱۳۸۸: ۱۸۵).



نمودار ۱- الگوی پردازش اطلاعات در ذهن

منبع: فردانش، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹

۷-۲- مجسمه و آثار حجمی در شهر

مجسمه‌ها واحجام شهری نه تنها به عنوان یک عنصر هنری است، بلکه می‌تواند بخشی از قدمت و پیشینه آن شهر که قسمتی از خاطرات شهروندان را تشکیل می‌دهد و هویت شهر را می‌سازد آشکار نماید. به اعتقاد شهروندان اگر تاریخ، فرهنگ و هنر در قالب آثار حجمی در خیابان مجسم شود شهروندان رغبت بیشتری برای آموختن پیدا می‌کنند. تصویر ۲-۱۴

۸-۲- شهر آموزش‌دهنده و مشارکت

شهر در شهر آموزش‌دهنده به همگان تعلق دارد. خانه‌ها خصوصی هستند، اما خیابان‌ها و میادین به همه شهروندان تعلق دارند. در شهر باز، هر شخصی احساس می‌کند که این شهر مال خودش است. از پارک‌ها، کنسرت‌ها، تریبون‌های آزاد لذت می‌برد، حتی افراد فقیر می‌توانند احساس غنی بودن و دارا بودن بکنند. جایی که امکانات آموزشی در فضاهای بسته ارائه می‌شوند، فقرا پشت درها می‌مانند و از آن بهره‌ای ندارند. اما در خیابان‌های باز شهری هر فرد در یادگیری آزاد است (Laesson, 1992: 26).

در شهر آموزش‌دهنده برنامه‌های همگانی در فضاهای شهری ترتیب داده می‌شود که مروج مشارکت شهروندان در برنامه‌های آزاد است. به عنوان مثال در آلمان قسمتی از پروژه پیاده رو سازی توسط کودکان رهگذر و تحت آموزش سرکارگران شهرداری احداث شده است.

در اقدام دیگری می‌توان از فعالیت خیمه‌های اطلاع رسانی در جهت آموزش دهندگی فضا با مشارکت خود شهروندان سود جست. از این خیمه‌ها در ارتباط با آموزش‌های زیست محیطی، بهداشت و سلامتی، اشاعه صلح و نوع دوستی استفاده می‌شود.



تصویر راست ۲-۷-آموزش تاریخ. لندن. نمونه‌ای از نیمکت‌هایی که تصاویری از داستانهای معروف این کشور را به نمایش می‌گذارد.
منبع: www.pinterest.com



تصویر چپ ۲-۸-ترویج مشارکت. فرانکفورت، کودکان در ساختن سنگفرش پیاده راه مشارکت می‌کنند
منبع: آرشیو شخصی دکتر نوید سعیدی رضوانی



تصویر شماره ۲-۹- ایستگاه سلامت شهروندان و اطلاع رسانی بهداشتی
منبع: www.farsnews.com

۹-۲- نقش شهرآموزش‌دهنده در فرآیند یادگیری

فعالیت‌های یادگیری شامل: کشف، بیان کردن، تأمل هستند. فعالیت‌های شناختی‌ای که هنگام کشف در محیط‌های آموزش‌دهنده مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: اندیشیدن و حدس زدن، دست‌کاری در محیط (حضور فعال، التقاط با عناصر و تجربه‌های محیطی): اغلب این فعالیت‌ها به تأمل حین عمل نیازمندند. شهر آموزش‌دهنده به دلیل وجود روند تداوم انتقال مفاهیم هدفمند می‌تواند مراحل فرایند یا دیگری را به نوعی در فضاهای شهری تشدید و تقویت کند. هر چند که به دلیل عام بودن فضاهای شهری و گستردگی حیطه عمل و فعالیت‌ها در شهر این فرآیند به تمامی و جزها به جزها در شهر آموزش‌دهنده اتفاق نمی‌افتد.

جدول ۳- مراحل یادگیری در شهر آموزش‌دهنده

۱) مرحله انگیزش	با عرضه مفاهیم آگاهی بخش و هدفمند در تمامی فضاهای شهری و با تنوع بسیار بالا انتظار و میل به یادگیری را در شهروندان ایجاد و تقویت می‌کند. که این مرحله بسیار پررنگ نمود پیدا می‌کند.
۲) مرحله یادآوری	شهر باید فضاهایی را متناسب با مفاهیم آموزشی هدفمند خود فراهم آورد که فرد به استفاده و کاربرد آموزه‌هایش نیاز پیدا کند. بنابراین با رجوع به آن مفاهیم خاص در موقعیت‌هایی که شهر، شهروندان را در آن قرار می‌دهد آن مفاهیم در ذهن شهروندان بازمی‌ماند و ادراک فرد از مفاهیم انتزاعی آموخته به واقعیت نزدیک شود.
۳) مرحله تعمیم	فضاهایی در شهر جهت گفتگو و تعامل شهروندان موقعیت مناسبی جهت تعمیم و انتقال آموخته‌های افراد متفاوت جامعه فراهم می‌سازد و این امر به بسط دانش و آگاهی در سطح جامعه شهری کمک می‌کند.
۴) مرحله عملکرد	شهر می‌بایست شهروندان را در شرایط و موقعیت‌هایی قرار دهد تا ملزم به استفاده از آموخته‌هایشان شوند و کاربرد آموخته‌های خویش را بیازمایند. این امر نیز به ایجاد انگیزه جهت یادگیری و میل به کسب اطلاعات در شهروندان کمک می‌کند.
۵) مرحله بازخورد	در نهایت زمانی که شهر به مدد فضاهای آموخته و تکامل آن‌ها آگاهی شهروندان را ارتقا می‌بخشد، سطح انتظارات جدیدی در مردم پرورش می‌یابد که شهر ناگزیر به پاسخ به آن‌هاست. و این گونه است که فرآیند آموزش و روند انتقال آگاهی و اطلاعات از شهر به مردم فرآیندی پویا و دو جانبه می‌شود.

منبع: مکنون حسینی، ۱۳۹۰: ۸۷

طراحی شهری و برنامه‌ریزی در چنین شهری باید بر پایه آموزه‌ها و آموزش‌هایی باشد که در شهر جریان دارد تا مردم مجالی برای تبدیل آموزه به عملکرد در شهر داشته باشد. درک هر مسأله‌ای مستلزم تجربه مسأله و ساختن یک الگوی ذهنی از آن است. بنابراین، محیط‌های یادگیری باید مجموعه‌ای از تجارب مرتبط را برای استفاده در اختیار کاربران قرار دهد.

۳- نقش شهرآموزش‌دهنده در فرآیند یادگیری مفاهیم مشارکت

در تعریف مشارکت کمیسیون اسفینگتون در بریتانیا مشارکت شهروندان را چنین تعریف می‌کند: مشارکت به نظر ما، سهیم شدن مردم در تدوین سیاست‌ها و پیشنهادهاست. دادن اطلاعات از طرف مسوولان و امکان اظهار نظر در مورد آن اطلاعات، بخش مهمی از فرآیند مشارکت به حساب می‌آید. از نظر بانک جهانی مشارکت فرآیندی است که از طریق آن " بهره‌وران " کنترل خود را بر روند برنامه‌های توسعه و تصمیمات و منابع که مرتبط با برنامه است، با هم تقسیم می‌کنند. اما در زمینه شهرسازی مشارکتی نظریه پردازانی همچون شری ارشتاین در اوخردهه ۱۹۶۰ بر قدرت شهروندی اشاره می‌کند و پله‌های نردبان مشارکت را اینگونه بیان می‌کند:

- ۱- اختیار شهروندان
 - ۲- قدرت تفویض شده
 - ۳- مشارکت
- قدرت شهروندان

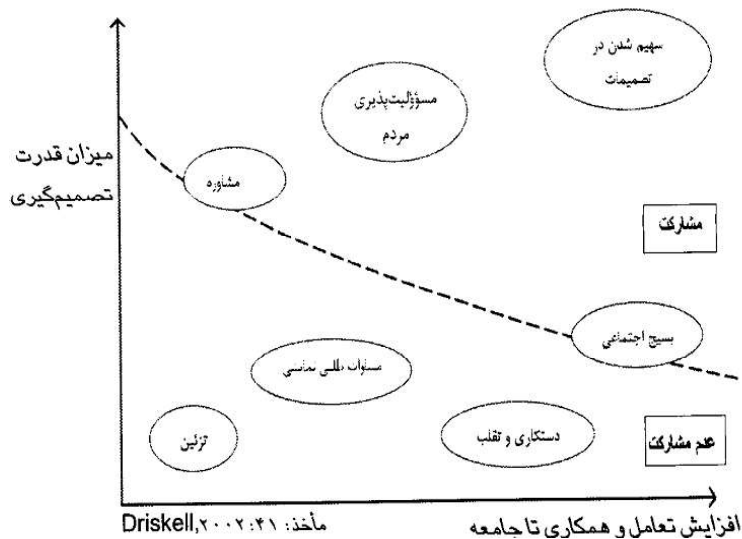
مشارکت جزئی { ۴- تسکین بخشیدن^۲
۵- مشاوره^۳
۶- اطلاع رسانی^۴

{ ۷- درمان محرومیت از مشارکت
۸- دستکاری و عوام فریبی^۶

در این مدل در پایین ترین سطح نردبان هیچ قدرتی برای شهروندان وجود ندارد. و به معنی عدم وجود زمینه برای مشارکت شهروندان در شهر می باشد (سعیدی رضوانی، هادی ۱۳۸۴).

دیوید دریسکل^۷ در کتاب "شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان (راهنمایی برای مشارکت)" بر سه اعتقاد است:

- ۱- توسعه به نفع ساکنان باشد.
- ۲- مردم دقیق ترین اطلاعات را درباره محدوده خویش و موضوعات مرتبط داشته باشند.
- ۳- مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم گیری دارند. که در نمودار زیر به خوبی به نمایش در می آید (همان).



^۱Partnership
^۲Placation
^۳Consultation
^۴Informing
^۵Therapy
^۶Manipulation
^۷David Driskell

ارتباط مؤثر موقعیت‌هایی که شهر در اختیار تک تک شهروندان خود قرار می‌دهد؛ در مورد دولت‌های محلی این مسئله برمی‌گردد به اینکه آن‌ها چرایی و چگونگی تصمیماتشان را از این نظر که چگونه به آموزش‌دهنده شدن شهر کمک می‌کند برای شهروندان تسریع کنند.

مشارکت تنگاتنگ شهروندان؛ تشریح و توافق اولیه در مورد مقیاس، حدود و مکان و حیطه عمل سیاست‌های آموزش‌دهنده.

ارزیابی اثر آموزشی سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگون و سطح مفید بودن و کافی بودن آن‌ها (Figueras, 1992: 37). شهر آموزش‌دهنده باور و انگاره جدیدی است که در حول محور دانش، آگاهی و توسعه عوامل آموزشی می‌گردد که در سیاست‌ها و فعالیت‌های گوناگون در همه زمینه‌ها وجود دارند و به چگونگی اثرات آنها ارزیابی آن می‌پردازد (Hereu, 2009: 39). در اینجا باید بر اهمیت نقش حکومت‌های محلی در ساختن شهر آموزش‌دهنده تأکید شود. شنیدن حرف نمایندگان شهروندان، تشویق کردن، پیشنهاد دادن، هماهنگ کردن، عرضه کردن، هدایت کردن و اجرا کردن نظرات بنا به شرایط موجود، که گام نهادن در عرصه مشارکت عمومی و تقویت روحیه تعاون شهروندان را در بر می‌گیرد (Laesson, 1992: 24).

فضاهای آموزش‌دهنده تأمل درباره عملکرد را می‌طلبد. تأمل بر عمل یعنی ایستادن بیرون از خود و تجربه جدید در فضا و تحلیل چگونگی عملکرد خود در فضا. شهر آموزش‌دهنده به دلیل وجود روند تداوم انتقال مفاهیم هدفمند می‌تواند مراحل فرایند یادگیری را به نوعی در فضاهای شهری تشدید و تقویت کند. هر چند که به دلیل عام بودن فضاهای شهری و گستردگی حیطه عمل و فعالیت‌ها در شهر این فرآیند به تمامی و جزها به جزها در شهر آموزش‌دهنده اتفاق نمی‌افتد. اما می‌توان با توجه به مراحل یادگیری (جدول ۲) با ایجاد امکان فضاهای باز شهری، مکانی برای تسهیم دانسته‌ها میان شهروندان برای انتقال آگاهی و تسری آن میان مردم کمک بسزایی در تقویت روحیه مشارکت و حرکت‌های اجتماعی مردمی داشته باشد.

۴- شهر آموزش‌دهنده و مشارکت

شهر آموزش‌دهنده هیچ کسی را حذف نمی‌کند شهر به همگان تعلق دارد. خانه‌ها خصوصی هستند، اما خیابان‌ها و میادین به همه شهروندان تعلق دارند. شهروندان از پارک‌ها، کنسرت‌ها، تریون‌های آزاد لذت می‌برند، حتی افراد فقیر می‌توانند احساس غنی بودن و دارا بودن بکنند. سامر (۱۹۷۲) اشاره کرده است که افراد غالباً بسیار منفعل‌اند و تمایلی به تغییر شکل محیط ندارند و خیلی سریع به نامطلوب‌ترین نیز عادت می‌کنند. او معتقد است که شهروندان اصلاً تمایلی به اعمال نفوذ بر محیط خود ندارند تا آن را با سلیقه خود هماهنگ سازند. به همین دلیل سامر خواستار کارگاه‌هایی محیطی برای حساس ساختن افراد به امکانات اعمال نفوذ و شکل دادن به محیط شده است. او خود نیز کارگاه‌هایی را جهت افزایش مشارکت دانش‌آموزان و معلمان طراحی و پیشنهاد کرده است (Laesson, ۱۹۹۲: ۲۶). در شهر آموزش‌دهنده برنامه‌های همگانی در فضاهای شهری ترتیب داده می‌شود که مروج مشارکت شهروندان در برنامه‌های آزاد است. به عنوان مثال در آلمان قسمتی از پروژه پیاده رو سازی توسط کودکان رهگذر و تحت آموزش سرکارگران شهرداری احداث شده است. در اقدام دیگری می‌توان از فعالیت خیمه‌های اطلاع‌رسانی در جهت آموزش دهندگی فضا با مشارکت خود شهروندان سود جست. از این خیمه‌ها در ارتباط با آموزش‌های زیست

محیطی، بهداشت و سلامتی، اشاعه صلح و نوع دوستی استفاده می‌شود. در جدول ۳ ارکان مشارکت در شهر آموزش دهنده به طور اجمالی بررسی شده است.

۵- جمع‌بندی

برای دستیابی به شهر مشارکت محور می‌توان از طریق آموزش در شهر آموزش‌دهنده این امکان را برای تمامی اقشار جامعه برای دستیابی به محیطی فراخور اصل پویایی و تعاملی بودن انسان و شهر با توجه به آموزش‌های غیرمستقیم محیط، آموزش متقابل شهروندان و مخاطبان شهر بر هم بنا نهاد؛ در نتیجه اقدامات زیر می‌تواند همگی قابلیت کاربرد در ایران را داشته و در اجرای شهرهای آموزش‌دهنده به عنوان یک اصل کلی به کار گرفته شوند. توجه فرایند هفت مرحله‌ای برنامه‌ریزی آموزشی، تدوین محتوای آموزشی تولید محصولات آموزشی حضوری و غیرحضوری و کاری و ارزشیابی آموزشی شهری و شهروندی مقاطع را به روند عملکرد نقطه‌ای و کانونی را به جریان فراگیر اجتماعی تبدیل می‌نماید (نظام نامه آموزش شهروندی، ۱۳۸۸: ج ۱). چرا که یک شهر ساخته شده (خیابان‌ها، میادین، ساختمان‌ها و غیره) یک محصول فرهنگی است. هر فرم شهری - چه عملگرا باشد چه نباشد در جهت سازمان دادن به فضاها در جهت رضایت‌مندی بیشتر مردمی است که در یک متن اجتماعی و تاریخی ساکن شده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرند: برای زندگی، کار، استراحت و ارتباطات بین مردم (Centelles, 2009: 45).

در نتیجه راهکارهایی برای ایجاد فضاهای آموزش‌دهنده در شهر در جهت ارتقای مشارکت شهروندان با توجه به مباحث بیان شده می‌توان در نظر گرفت:

۱. ترویج طراحی شهری آموزش‌دهنده، برای نقاط مکث، توقف و میادین پر رفت و آمد
۲. افزایش ارتباط کالبدی و عملکردی کاربری‌های آموزش رسمی
۳. کاربری‌های مختلط و استفاده‌های قابل انعطاف از ساختمان‌های عمومی
۴. سیاست‌های عمومی و کلان شهری در سطوح مختلف مدیریتی می‌تواند به گونه‌ای تدوین شود که بر آموزش دهندگی فضاهای شهری و حضور فعال و پررنگ شهروندان تأثیر بگذارد.
۵. از طریق تدوین ضوابط، اصل "آموزش برای همه" در شهرها تضمین کرد.
۶. با ایجاد برنامه‌های آموزش همگانی در فضاهای باز شهری و بصورت غیرانتفاعی می‌توان دسترسی به آموزش را در شهر هرچه وسیع‌تر کرد.
۷. با تدوین ضوابط در بهره‌گیری از رسانه‌های محیطی می‌توان به ارائه پیام‌های آموزشی در سطح شهر از این طریق اقدام کرد.
۸. تدوین برنامه‌های آموزشی در هر منطقه باید با توجه به بافت اجتماعی - اقتصادی ساکن در آن و همچنین از طریق فرآیندهای نظرسنجی انجام گیرد.
۹. لزوم اجرای برنامه‌هایی با تأکید بر تبلور فرآیند مشارکت در شهر (Figueras, 1992: 49).

۶- منابع

حیبی، محسن،، هادی سعیدی رضوانی، شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان

دریسل، دیوید، ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان، ترجمه نوید سعیدی رضوانی، مهرنوش توکلی، تهران، دیپایه، ۱۳۸۷
مکوند حسینی، نسیم؛ پایان نامه کارشناسی ارشد راهنما: دکتر نوید سعیدی رضوانی، تدوین اصول شهر آموزش دهنده، دانشکده معمار
دانشگاه آزاد واحد قزوین، سال ۸۹

ناری ابیانه، محمد رضا، جلد ۱ نظام‌نامه آموزشی و مشارکت اجتماعی، دفتر مطالعات معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری، ۱۳۸۵
مهدوی نژاد، محمد جواد، محمدرضا بمانیان، معصومه امینی، ارائه الگوها و روش‌های مطلوب تبدیل شهر تهران به شهر آموزش دهنده (با
تاکید بر اصول و تجارب جهانی)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۹۲

Bengtsson, Jarl., City strategies for lifelong learning, Abridged version of speech in Second Congress of Education Cities, 1992

Manuel Del Pozo, Joan, the Concept of the Educating City Today, Education and Urban Life: 20 Years of Educating Cities, International Association of Educating Cities, 2009

Mata Carriga, Marta, Common objectives of the educating cities, 1992

Laesson, Staffan, The Open city and the closed classroom, Second Congress of Education Cities, 1992

Josep centelles, monograph (city) urban planning and education, 2009

www.edcities.org, A New Training Experience in the Lisbon City Council: Adult Education and Training Project, 2002

Figueras, Pilar, Educating Cities: A Commitment to the Future, Education and Urban Life: 20 Years of Educating Cities, International Association of Educating Cities, 2009

Hereu, Jordi, Barcelona: A City Committed to Education, Education and Urban Life: 20 Years of Educating Cities, International Association of Educating Cities, 2009

http://www.bcn.es/edcities/aice/estatiques/angles/sec_educating.html

<http://eco.isu.ac.ir/intro/programs>

<http://eco.isu.ac.ir/intro/programs.Htm>